

بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی

و کیفیت افشای شرکتی^۱

سعید جبارزاده کنگرلویی^۲، یعقوب بهنمون^۳، نهاد بهزادی^۴ و سمیرا شکوری^۵

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش حاضر، شامل ۶۸ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ است. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع پژوهش های توصیفی-همبستگی می باشد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. برای آزمون مدل ها ابتدا آزمون چاو به کار رفت و مشخص شد که باید از روش پانل استفاده کرد و در ادامه از آزمون هاسمن برای استفاده از روش پانل آثار تصادفی یا ثابت استفاده شد. یافته های پژوهش نشان می دهد که بدون در نظر گرفتن هزینه های نمایندگی و کیفیت افشا، بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه معنی داری وجود ندارد. از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی شرکت تاثیری بر هزینه های نمایندگی ندارد. همچنین نتایج این پژوهش نشان می دهد که کیفیت افشای شرکت بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر دارد.

واژه های کلیدی: اجتناب مالیاتی، ارزش شرکت، هزینه نمایندگی، کیفیت افشاء

طبقه بندی موضوعی: E44, G14, H25, G32

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/jfm.2016.2571

۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه حسابداری، ارومیه، ایران، jabbarzadeh.s@gmail.com

۳. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه حسابداری، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول، y.behnamoon@yahoo.com

۴. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، گروه حسابداری، ارومیه، ایران، nahadbehzadi@yahoo.com

۵. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، گروه حسابداری، قزوین، ایران، sshakoury@yahoo.com

مقدمه

اجتناب از مالیات، یکی از استراتژی‌های مهم شرکت است (کای و لیو^۱، ۲۰۰۹، هانلن و هیتزمن^۲، ۲۰۱۰). به طور کلی، این باور وجود دارد که اجتناب از مالیات از سوی شرکت، نشان‌دهنده انتقال ثروت از دولت به شرکت‌هاست و این امر موجب افزایش ارزش شرکت می‌شود. با این وجود، اجتناب از مالیات بدون هزینه نیست. تئوری نمایندگی بیانگر این موضوع است که فعالیت‌های مربوط به اجتناب از مالیات با مسائل اداره شرکت نیز مرتبط است. فعالیت‌های مبهم و غیرشفاف مربوط به برنامه‌ریزی مالیاتی می‌تواند تضاد مدیریتی را افزایش داده و ارزش شرکت را کاهش دهد (دسای و دارماپالا^۳، ۲۰۰۶ و دسای و همکاران^۴، ۲۰۰۷).

علی‌رغم تفکیک کنترل از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آنها با برنامه‌ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیم‌های اثربخش مالیاتی بگیرند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). بنابراین، یک شرکت برای اجتناب از مالیات باید فزونی منافع بر مخارج را در نظر بگیرد. این که آیا اجتناب از مالیات برای شرکت ارزش ایجاد می‌کند یا نه، یک پرسش پژوهشی مهم است. نشانه‌های تجربی اخیر پژوهشگران درباره اجتناب از مالیات متفاوت است.

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت‌های مرتبط با اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت اثری ندارند و تنها در سال مالی که شرکت دارای سطوح بالای مالکیت نهادی می‌باشد، دارای اثر مثبت است. آنها ادعا می‌کنند که اجتناب از مالیات شرکت دارای دو اثر رقابتی بر ارزش شرکت می‌باشد. در حالیکه این مسئله موجب انتقال ثروت از دولت به سهامداران شده و باعث افزایش ثروت سهامداران می‌شود. تضاد منافع میان مدیران و سهامداران خارجی، احتمال اختلاف مدیریتی را افزایش داده که یک تأثیر منفی بر ارزش شرکت دارد (چن و همکاران، ۲۰۱۴). عدم تشابه نتایج پژوهش‌ها می‌تواند حاصل انتخاب عوامل متفاوت باشد که آثار متفاوتی بر جریان‌های نقدی فعلی و آتی و ارزش نهایی شرکت دارد و تا حدی حاصل تفاوت در انتخاب نمونه‌ها و دیدگاه‌های پژوهشی می‌باشد. از یک طرف، اجتناب از مالیات می‌تواند تأثیری مستقیم و غیر مستقیم بر جریان‌های نقدی جاری و آتی داشته باشد. به عنوان مثال، اجتناب از مالیات می‌تواند جریان‌های نقدی را

-
1. Cai & Liu
 2. Hanlon & Heitzman
 3. Desai & Dharmapala
 4. Desai et al

از طریق پس انداز مالیات افزایش دهد و این امر با هزینه‌های بیشتر در موسسه مرتبط می‌باشد. از سوی دیگر، اجتناب از مالیات، معاملات تجاری را پیچیده‌تر می‌کند؛ به طوری که به شفافیت کمتر اطلاعات و کاهش ارزش شرکت بصورت غیرمستقیم می‌انجامد (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعات می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران عمل کند (آرمسترانگ و دیگران، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعات می‌تواند به طور مستقیم با عملکرد اقتصادی کارکنان درون شرکت با انتخاب بهینه سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت کارآمد دارایی‌ها و کاهش مخاطره ثروت سهامداران اقلیت، مرتبط باشد (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۳). تصمیم‌گیری تجاری هم به کیفیت و هم به کمیت اطلاعات متکی است. بنابراین شفافیت اطلاعات می‌تواند جریان‌های نقدی جاری و آتی را از طریق تأثیر بر تصمیم‌های مدیریت تغییر دهد (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

بنظر می‌رسد بحث اجتناب مالیاتی بیشتر در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد. زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند. ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است به تصمیم‌های مالیاتی بینجامد که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به کمترین حد برسانند (خانی و همکاران، ۱۳۹۲). از دیدگاه سنتی، اجتناب از مالیات به عنوان یک روش برای پس انداز مالیات تلقی می‌شود و انگیزه اقتصادی دیگری غیر از پس انداز آن وجود ندارد. اما در طرف مقابل، بر اساس تئوری نمایندگی ادعا می‌شود که موضوع‌های مالیاتی به دلیل مشکلات گسترده نمایندگی در اداره شرکت است (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

پژوهشهای تجربی در مورد تأثیر اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت با توجه به اداره شرکت، متفاوت می‌باشد.

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که گریز از مالیات ممکن است ارزش شرکت‌های خوب اداره شده را بالا ببرد، ولی این امر در شرکت‌های با مدیریت ناکارآمد (شرکت‌هایی که خوب اداره نمی‌شوند) صدق نمی‌کند.

وانگ^۱ (۲۰۱۰) به این نتیجه رسید که شرکت‌های با شفافیت کمتر در مقایسه با رقبای خود، به اجتناب از مالیات گرایش دارند. وی همچنین به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاران واکنش مثبتی نسبت به اجتناب از مالیات دارند اما ارزش شرکت با کاهش شفافیت کاهش می‌یابد. اما چگونه می‌توان متوجه تضاد یافته‌های پژوهش شد؟ از نظر تئوری فرض می‌شود که اجتناب از مالیات چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، یک جریان نقدی آزاد را برای شرکت فراهم می‌کند که به طور مستقیم، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد و اجتناب از مالیات، به واسطه تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری مدیریت، جریان‌های نقدی را به طور غیرمستقیم تغییر می‌دهد. در واقع پیچیدگی و ابهام مربوط به اجتناب از مالیات، به مدیران این امکان را می‌دهد تا در جهت منافع شخصی خود عمل کنند که این امر، جریان‌های نقدی جاری و آتی را کاهش خواهد داد. بعلاوه طبق تئوری نمایندگی، جریان نقدی آزاد حاصل اجتناب از مالیات برای پرداخت‌های شرکت و مصارف شخصی به کار خواهد رفت که جریان نقدی آتی را کم کرده و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، رفتار معکوس اجتناب از مالیات با مجازات مدیریت همراه می‌باشد و به دنبال آن، با از دست دادن شهرت در ارتباط می‌باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی بوده و ممکن است سبب تصمیم‌گیری‌های مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به کمترین حد برسانند (جنسن و مک‌کلینگ^۲، ۱۹۷۶).

دسای و همکاران (۲۰۰۷) نیز معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند، ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را انجام می‌دهند که باعث کاهش مالیات می‌شود و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آنها معتقدند که وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها

1. Wang
2. Jensen & Meckling

می شود. نکته دیگری توسط دسای و همکاران مطرح شد که براساس آن، نحوه حاکمیت و رهبری شرکت ها بر روی سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها تاثیر گذار است. حاکمیت شرکتي ضعيف باعث افزایش سطح اجتناب مالیاتی می شود.

زنگ و ژانگ^۱ (۲۰۰۹) معتقدند که در مناطقی با قوانین مالیاتی شدیدتر، هزینه های نمایندگی کمتر خواهد بود و معامله با اشخاص وابسته و سوء استفاده از دارایی برای بیشتر سهامداران کمتر خواهد بود. بنابراین آنها معتقدند که قوانین مالیاتی می تواند به عنوان یک مکانیسم خارجی اداره شرکت عمل کند. با توجه به تئوری نمایندگی در مورد اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتي، عامل مهمی در ارزیابی صرفه جویی مالیاتی شرکت می باشد. اجتناب مالیاتی، تأثیر مستقیمی بر افزایش ارزش شرکت (پس از مالیات) دارد و این آثار به وسیله افزایش فرصت ها برای تغییر شکاف مدیریتی، بخصوص در شرکت های دارای ضعف در عمل تعدیل کننده می باشد. بنابراین تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت، در شرکت های با حاکمیت شرکتي قوی، بیشتر می باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهشهای گذشته نشان می دهد که شفافیت اطلاعات با اجتناب مالیاتی رابطه متقابل دارد. در مواجهه با خطر مسائل نمایندگی، شفافیت اطلاعات به کاهش تضاد نمایندگی در میان سهامداران (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۰)، تعدیل ارزش بازار به وسیله تغییر جریان های نقدی فعلی و آتی از طریق تغییر تصمیم های مدیریت (لامبرت و همکاران، ۲۰۰۷) و سازمان دهی شرکت در انتخاب بهتر سرمایه گذاران، مدیریت کارآمد دارایی ها و سوء استفاده کمتر از ثروت سهامداران اقلیت (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۳) کمک می کند. از سوی دیگر، شفافیت اطلاعات، عملکرد شرکت های تجاری را برای دولت بهتر آشکار می سازد و به این ترتیب توانایی اجتناب مالیاتی کاهش پیدا می کند. بنابراین شفافیت اطلاعات، متغیری به طور کامل متناسب برای بررسی مسائل تئوری نمایندگی است (چن و همکاران، ۲۰۱۴).

فریز و همکاران^۳ (۲۰۰۸) به بررسی روش های مختلفی پرداختند که در آنها مالیات و اصول راهبری شرکت ها ارتباط متقابل دارند. آنها دریافته اند که قانون مالیات بر ساختار اصول راهبری شرکت ها از طریق دادن امتیازات مالیاتی و تحمیل مجازات تأثیر می گذارد. به عبارت دیگر، ساختار واقعی راهبری شرکتي در عمل بر روش مدیریت امور مالیاتی شرکت ها تأثیر دارد.

1. Zeng & Zhang

2. Lambert et al

3. Freise et al

سارتوری^۱ (۲۰۰۹)، در پژوهشی نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل است. در حقیقت از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی آثار ساختاری در برآورده کردن تعهدهای مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

سابلی و نور (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین برنامه‌ریزی مالیاتی و حاکمیت شرکتی در کشور مالزی پرداختند. آنها نمونه‌ای شامل ۳۷۱ شرکت را برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی (داخلی و خارجی) بر برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیری ندارند. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌های نمونه بیشتر متکی به مشاوران مالیاتی حرفه‌ای هستند.

خوالا و محمدعلی (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره به عنوان مکانیسم حاکمیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی در بورس کشور تونس پرداختند. آنها در این پژوهش از نرخ موثر مالیاتی به عنوان پروکسی برای برنامه‌ریزی مالیاتی استفاده کردند. این پژوهشگران نمونه‌ای شامل ۳۲ شرکت را برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره و ترکیب جنسیتی تأثیر معناداری بر برنامه‌ریزی مالیاتی دارد و رابطه جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره با برنامه‌ریزی مالیاتی، یک رابطه منفی و نیز ترکیب جنسیتی یک رابطه مثبت را نشان می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که بین استقلال و اندازه هیأت مدیره با برنامه‌ریزی مالیاتی رابطه وجود ندارد.

زمزم و فتوحی (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های فرانسه برای دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداختند. آنها در این پژوهش برای تحلیل نتایج از رگرسیون استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که اندازه و درصد حضور زنان در هیأت مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر دارد. همچنین نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که اندازه شرکت و بازده دارایی بر استراتژی مالیاتی جسورانه تأثیر مثبت و معناداری دارد.

چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در چین طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اجتناب

مالیاتی ارزش شرکت را کاهش و هزینه نمایندگی را افزایش می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که کیفیت افشای شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر دارد. بینگ^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات کنترل داخلی، هزینه نمایندگی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده بورس شنزن برای سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که کیفیت افشای اطلاعات داخلی از طریق هزینه نمایندگی بر مدیریت سود تأثیر می‌گذارد و بهبود کیفیت افشای اطلاعات داخلی به طور موثری هزینه نمایندگی و سپس مدیریت سود را کاهش می‌دهد.

با وجود پژوهش‌های انجام شده در کشورهای دیگر، تاکنون در ایران پژوهش مشابهی انجام نشده است. البته باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) در پژوهشی مشابه، رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات ارزیابی شد. نمونه پژوهش شامل پرونده‌های مالیاتی ۸۲ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران بود. در این پژوهش رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌های دارای معیارهای حاکمیت شرکتی و گروه شرکت‌های بدون معیارهای حاکمیت شرکتی بود. همچنین براساس این پژوهش در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بود.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ پرداختند. در این پژوهش، ویژگی‌های خاص شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر مدیریت مالیات مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی، نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت و معنادار دیده شد. با این وجود، نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود

ندارد. همچنین نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که نوع صنعت تأثیری معنادار بر نرخ مؤثر مالیاتی دارد. افزون بر این، نتایج گواه آن است که مالکیت نهادی به‌طور منفی، نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مالکان نهادی نقشی جسورانه در مدیریت مالیات ایفا می‌کنند.

حساس یگانه و گل محمدی شورکی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار پرداختند. جامعه آماری پژوهش، به روش حذفی (غربالگری) و متشکل از شرکت‌هایی است که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که میانگین نرخ مؤثر مالیاتی با در نظر گرفتن تمام شرکت‌های پژوهش، به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک است. لیکن نتایج این پژوهش با در نظر گرفتن صنعت مورد فعالیت شرکت نشان داد که به‌طور تقریبی هر صنعت دارای نرخ مؤثر مالیاتی مخصوص به خود است. همچنین نتایج حاکی از آن است که بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و با اهرم مالی، رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. در ضمن بین نرخ مؤثر مالیات و شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت رابطه معنی‌داری دیده نشد.

حقیقت و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های با شفافیت بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی کمتر و اجتناب مالیاتی بیشتر نسبت به شرکت‌های با شفافیت پایین دارند و همچنین افراد برون سازمانی اهمیت خاصی به اجتناب مالیاتی شرکت‌ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود شفافیت قابل قبول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود.

منصوری (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای دوره مالی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ پرداخت. در این پژوهش از مدل رگرسیونی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که استقلال، دانش مالی و اندازه دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و نیز نفوذ دولت در هیأت مدیره بر برنامه‌ریزی مالیاتی تأثیر ندارد. همچنین نتایج حاکی از این است که سرمایه‌گذاری نهادی رابطه منفی و معناداری با برنامه‌ریزی مالیاتی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای کنترلی اهرم مالی و اندازه شرکت با برنامه‌ریزی مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد اما بین متغیرهای کنترلی میزان سرمایه‌گذاری و بازده دارایی با برنامه‌ریزی مالیاتی رابطه معناداری دیده نشد.

خدامی پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه این پژوهش شامل ۴۵۰ مشاهده برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ بود. آنها در این پژوهش برای سیاست تقسیم سود شرکت‌ها از نسبت سود تقسیمی به فروش خالص و برای سنجش نرخ مؤثر مالیاتی از رابطه هزینه مالیات به سود خالص قبل از کسر مالیات استفاده کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین نرخ مؤثر مالیاتی و سیاست تقسیم سود، رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد.

خدامی پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تأثیر معناداری ندارد.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای بازه زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج پژوهش آنها مبین این مطلب است که بین مالیات ابرازی و محافظه کاری با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این مطلب نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی و محافظه کاری ابزارهایی جایگزین برای کاهش مالیات می‌باشند، بطوری که با افزایش اجتناب مالیاتی، انگیزه محافظه کاری کاهش می‌یابد و بالعکس.

بحری ثالث و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، استقلال و دانش هیأت مدیره، رابطه معناداری با استراتژی مالیاتی جسورانه دارد. همچنین بین اندازه و تعداد جلسات هیأت مدیره با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد. از طرفی نتایج حاکی از این است که بین متغیرهای کنترلی (اهرم مالی) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود دارد و بین متغیر کنترلی (اندازه شرکت) با استراتژی مالیاتی جسورانه رابطه معناداری وجود ندارد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیات طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که طرح‌ریزی مالیات، بیشتر در شرکت‌های با تعداد اعضای هیأت مدیره کمتر وجود دارد. افزون بر این، هرچه تعداد

اعضای غیرموظف در هیات مدیره شرکت بیشتر و مدیرعامل، به دلیل عضویت در هیات مدیره از ثبات جایگاه برخوردار باشد، طرح ریزی مالیات افزون تر خواهد بود. در خصوص تأثیر تخصص مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها بر طرح ریزی مالیات نیز یافته‌های پژوهش شفاف نیست. نتایج حاصل از بررسی تأثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر طرح ریزی مالیات نشان داد که شرکت‌های با بازدهی بالاتر، طرح ریزی مالیات بیشتری داشته اما اهرم مالی تأثیری بر طرح ریزی مالیات ندارد. همچنین تأثیر اندازه شرکت بر طرح ریزی مالیات نیز شفاف نیست.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه ۱: بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی و معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین اجتناب مالیاتی و هزینه‌های نمایندگی شرکت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۳: کیفیت افشای شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر می‌گذارد.

روش‌شناسی پژوهش

طرح این پژوهش، از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. این پژوهش از نظر روش پژوهش، در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. این پژوهش با توجه به عدم امکان کنترل کلیه متغیرهای مربوط نمی‌تواند از نوع پژوهش‌های تجربی محض باشد اما با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، این پژوهش از نوع پژوهش‌های شبه تجربی است. همچنین با توجه به اینکه نتایج پژوهش به حل یک مشکل یا موضوع خاص می‌پردازد، از لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی با رویکرد رگرسیونی است.

جامعه آماری این پژوهش تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ به مدت ۱۲ سال است. روش نمونه‌گیری این پژوهش، حذف سیستماتیک است. بنابراین شرکت‌های دارای شرایط زیر به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند:

۱. پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفندماه باشد.

۲. شرکت‌ها در دوره مورد نظر، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
۳. شرکت‌ها در دوره مورد نظر، توقف فعالیت نداشته باشند.
۴. صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه شرکت‌ها در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ به گونه‌ای کامل در سایت بورس اوراق بهادار موجود باشد.
۵. شرکت‌ها جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد.
۶. تمامی اطلاعات مربوط به اجزای محاسبه متغیرهای معادلات در دسترس و افشا شده باشد. با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها تعداد ۶۸ شرکت و ۸۱۶ سال-شرکت برای این پژوهش انتخاب شد. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از سایت‌های بورس، نرم‌افزار رهاورد نوین و تدبیرپرداز استفاده شده است. سپس برای آماده‌سازی اطلاعات از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. به این ترتیب که پس از استخراج اطلاعات مربوط به متغیرهای مورد بررسی از منابع ذکر شده، این اطلاعات در کار برگ‌های ایجاد شده محیط این نرم‌افزار وارد شده و سپس محاسبات لازم برای دستیابی به متغیرهای مورد بررسی انجام شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آمار توصیفی و استنباطی استفاده خواهد شد. برای تشریح و تلخیص داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، همبستگی و ...) و برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی بهره گرفته خواهد شد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته از آزمون t استفاده خواهد شد. همچنین برای تجزیه داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش از نرم‌افزارهای Excel، EViews 8 استفاده شده است.

مدل (۱):

$$Q_{it} = b_0 + b_1ETR-D_{it} + b_2PPE_{it} + ROA_{it} + b_4SIZE_{it} + b_5LEV_{it} + b_6GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲):

$$AGENCYCOST_{it} = b_0 + b_1ETR-D_{it} + b_2PPE_{it} + b_3LEV_{it} + b_4ROA_{it} + b_5SIZE_{it} + b_6GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳):

$$Q_{it} = b_0 + b_1ETR-D_{it} + b_2TRANS_{it} + b_3ETR-DTRANS_{it} + b_4PPE_{it} + b_5LEV_{it} + b_6ROA_{it} + b_7SIZE_{it} + b_8GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مدل به شرح زیر تعریف می‌شوند:

Q_{it} : نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی به ارزش دفتری دارایی شرکت i در سال t

$AGENCYCOST_{it}$: نسبت فروش به کل دارایی شرکت i در سال t

$ETR-D_{it}$: برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از پروکسی پس‌انداز مالیات استفاده می‌شود. پس اندازه مالیات نیز برابر است با اختلاف بین نرخ قانونی مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی.

$TRANS_{it}$: برای اندازه‌گیری کیفیت افشای شرکتی از امتیازهای کیفیت افشای کسب شده توسط شرکت‌ها استفاده شده است که هر ساله منتشر می‌شود. امتیازهای سالیانه کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته در بازار بورس تهران برای دوره‌های ۳، ۶، ۹ و ۱۲ ماهه محاسبه و توسط سازمان بورس اوراق بهادار برای سال‌های ۱۳۸۲ به بعد منتشر شده است. امتیازهای مذکور، بر اساس میانگین وزنی معیارهای به‌موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشاء شده محاسبه می‌شود. اطلاعات ارزیابی شده بر اساس مقررات افشای اطلاعات در بورس، از جمله صورت‌های مالی سالیانه، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ۳، ۶ (حسابرسی شده) و ۹ ماهه و پیش‌بینی درآمدها و سهم‌ها در مقاطع زمانی ۳، ۶، ۹ و ۱۲ ماهه می‌باشد. تأخیر در ارسال اطلاعات به بورس در مقایسه با مهلت‌های زمانی مقرر و تفاوت در سودهای محقق شده نسبت به پیش‌بینی‌ها برای محاسبه به‌موقع بودن و قابلیت اتکای افشاء استفاده شده است.

PPE_{it} : برابر است با نسبت دارایی‌های ثابت شرکت به کل دارایی‌های شرکت.

ROA_{it} : برابر است با نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی شرکت.

$SIZE_{it}$: برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی شرکت.

LEV_{it} : برابر است با نسبت کل بدهی به کل دارایی شرکت.

$GROWTH_{it}$: حاصل تقسیم تغییر در سال جاری و سال قبل بر فروش سال جاری.

E_{it} : پسماندهای رگرسیونی.

جدول ۱، نشان‌دهنده آمار توصیفی داده‌های مورد استفاده در پژوهش است. نتایج بر مبنای ۸۱۶ سال-شرکت و متغیر اندازه شرکت بر مبنای لگاریتم طبیعی می‌باشد. نتایج تحلیل توصیفی داده‌ها حاکی از آن است که میانگین کیفیت افشای شرکت‌های مورد بررسی ۵۲/۵۰۶ می‌باشد که نشان می‌دهد کیفیت افشای اطلاعات در حد مطلوب نمی‌باشد. میانگین نسبت فروش به کل دارایی (هزینہ نمایندگی) برابر با ۰/۷۶۶ می‌باشد که نشان می‌دهد در نمونه پژوهش حاضر به طور میانگین، نسبت فروش شرکت‌ها به دارایی‌های آن ۷۶/۶ درصد است. اهرم مالی شرکت نشان می‌دهد که به‌طور متوسط ۷۴/۳ درصد دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی از محل

بدهی‌ها تأمین مالی شده‌اند و متوسط رشد شرکت‌ها نیز ۱۴۸٪ می‌باشد که نشان می‌دهد به طور میانگین، شرکت‌های نمونه پژوهش حاضر از رشدی برابر با ۱۴/۸ درصد برخوردار بوده‌اند. میانگین پس‌انداز مالیات به عنوان پروکسی اجتناب از مالیات برابر با ۰/۱۲۷ است. از طرفی دیگر میانگین بازده دارایی برابر با ۰/۱۰۲ می‌باشد که نشان می‌دهد نسبت سود عملیاتی به دارایی‌های شرکت در نمونه پژوهش حاضر ۱۰/۲ درصد است.

جدول ۱: نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانگین | میانه | انحراف معیار | حداقل | حداکثر | چولگی | کشیدگی |
|------------------|---------|--------|--------------|---------|--------|--------|---------|
| کیفیت افشا | ۵۲/۵۰۶ | ۵۵ | ۲۵/۳۳۴ | -۱۶/۸۰۰ | ۹۹/۹۳۷ | -۰/۰۵۰ | ۲/۳۵۶ |
| هزینه نمایندگی | ۰/۷۶۶ | ۰/۷۳۴ | ۰/۴۴۶ | -۰/۰۱۸ | ۲/۷۳۳ | ۱/۰۳۰ | ۴/۹۵۱ |
| اجتناب از مالیات | ۰/۱۲۷ | ۰/۱۴۱ | ۰/۱۰۲ | -/۰۵۴۰ | ۰/۳۲۸ | -۰/۹۳۵ | ۵/۲۲۹ |
| رشد شرکت | ۰/۱۴۸ | ۰/۱۰۲ | ۰/۵۱۰ | -۱/۸۵۸ | ۲/۲۲۷ | ۲/۶۶۶ | ۱۲۹/۰۱۲ |
| اهرم مالی شرکت | ۰/۷۴۳ | ۰/۶۸۵ | ۰/۵۱۸ | ۰/۰۲۰ | ۴/۷۹ | ۴/۰۸۵ | ۲۴/۹۱۵ |
| دارایی ثابت | ۰/۲۷۱ | ۰/۲۳۹ | ۰/۲۰۰ | ۰/۱۴۹ | ۱/۰۱ | ۰/۸۰۴ | ۳/۲۹۵ |
| نسبت کیوتوین | ۱/۸۳۱ | ۱/۳۷۳ | ۱/۴۸۰ | ۰/۷۳۰ | ۱۱/۸۰۴ | ۲/۷۲۵ | ۱۴/۲۶۶ |
| بازده دارایی‌ها | ۰/۱۰۲ | ۰/۰۸۵ | ۰/۱۸۲ | -۰/۸۰۶ | ۰/۶۳۱ | -۰/۴۷۱ | ۵/۸۱۱ |
| اندازه شرکت | ۱۲/۹۶۴ | ۱۲/۸۹۳ | ۱/۱۵۳ | ۹/۱۵۵ | ۱۶/۸۷۵ | ۰/۰۵۲ | ۳/۶۰۲ |

قبل از آزمون فرضیه‌های پژوهش، لازم است ایستایی یا پایایی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. به‌منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی‌دار بودن متغیرها، آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای پژوهش انجام شد. برای آزمون مانایی متغیرهای پژوهش، روش‌های آزمون لوین، لین و چو^۱، آزمون ایم، پسران و شین^۲ و آزمون ریشه واحد فیشر-دیکی فولر^۳ تعمیم یافته، فیشر-فیلیپس-پرون^۴ مورد استفاده قرار می‌گیرند که در این پژوهش برای بررسی مانایی متغیرهای پژوهش، آزمون روش‌های آزمون لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین پرون مورد استفاده قرار گرفته‌اند که بر اساس این آزمون‌ها، کل متغیرهای پژوهش حاضر پایا می‌باشند.

1. Levin & Lin & Chu
2. Im & Pesaran & Shin
3. Augmented Dickey-Fuller
4. Phillips & Perron

یکی از مفروض‌های معادله رگرسیون، ثابت بودن واریانس خطاها می باشد که بعنوان فرض همسانی واریانس‌ها شناخته می شود. در صورت نبودن واریانس ثابت برای خطاها، گفته می شود که ناهمسانی واریانس وجود دارد. فرض دیگر مدل رگرسیون خطی، صفر بودن کوواریانس بین اجزای خطا در طول زمان (یا به صورت مقطعی برای انواع داده‌ها) می باشد. به عبارت دیگر فرض فوق نشان می دهد که خطاها به یکدیگر وابسته نیستند. در صورتیکه خطاها غیر همبسته نباشند، خود همبسته هستند و یا به صورت پیایی همبسته می باشند. بنابراین فرض مزبور نیازمند آزمون است. در صورتی که نتایج آزمون ناهمسانی واریانسها حاکی از آن باشد که سطح معنی داری کمتر از ۵٪ است، فرض صفر رد می شود. این بدان معناست که برای آزمون نهایی باید از آزمون حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) استفاده کرد. همچنین در صورتیکه سطح معنی داری آزمون خود همبستگی، کمتر از ۵٪ باشد، برای آزمون نهایی مدل رگرسیون در صورت ثابت بودن آثار از متغیرهای کمکی و در صورت تصادفی بودن از تفاضل استفاده می شود. لازم به ذکر است برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون وایت و برای آزمون خودهمبستگی، آزمون بروش - گادفری استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس‌ها و خودهمبستگی فرضیه‌های پژوهش

| فرضیه | آزمون ناهمسانی واریانس وایت | | ناهمسانی واریانس | آزمون خودهمبستگی بروش - گادفری | | خود همبستگی |
|------------|-----------------------------|--------|------------------|--------------------------------|--------|-------------|
| | آماره F | احتمال | | آماره F | احتمال | |
| فرضیه نخست | ۷/۷۷۲ | ۰/۰۰۰ | وجود دارد | ۴۸/۶۰۵ | ۰/۰۰۰ | وجود دارد |
| فرضیه دوم | ۳۴/۹۴۴۶۷ | ۰/۱۴۰۳ | وجود ندارد | ۴۱۹/۴۳ | ۰/۰۰۰ | وجود دارد |
| فرضیه سوم | ۱۵۸۴/۳۲ | ۰/۰۰۰۱ | وجود دارد | ۴/۲۳۱ | ۰/۱۸۵۶ | وجود ندارد |

جدول ۲، وجود ناهمسانی واریانس را برای فرضیه‌های نخست و سوم پژوهش تایید می کند. همانطور که اشاره شد، برای مشکل ناهمسانی از روش حداقل مربعات تعمیم یافته تخمینی (EGLS) و آزمون خود همبستگی برای بررسی اخلاص در مدل رگرسیون استفاده شده و در صورت وجود مشکل خود همبستگی از پارامتر (۱) AR یا (۲) AR (هر کدام که بتواند پارامترهای مدل دارای اثرات ثابت را بخوبی تخمین بزند) و روش تفاضلی ۱- و ۲- (هر کدام که بتواند پارامترهای مدل اثرات تصادفی را بخوبی تخمین بزند) استفاده می شود. همچنین برای آزمون فرضیه دوم از روش حداقل مربعات (OLS) استفاده می شود. با توجه به اینکه داده‌های مورد تجزیه و تحلیل از نوع داده‌های ترکیبی می باشند، ابتدا بایستی به وسیله آزمون لیمر (چاو) و آزمون هاسمن نوع تخمین مدل را تعیین نمود.

جدول ۳: آزمون لیمر و هاسمن برای تخمین نوع داده‌های مدل ۱

| شرح | مقدار آماره | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------------|-------------|------------|--------------|
| آزمون لیمر | ۲/۰۸۱ | (۶۷/۷۴۲) | ۰/۰۰۰ |
| آزمون هاسمن | ۳۰/۸۴۳ | ۶ | ۰/۰۰۰ |

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، با توجه به اینکه سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون لیمر برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد، فرض H_1 (روش حداقل مربعات معمولی) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و روش داده‌های تابلویی پذیرفته می‌شود. همچنین برای آزمون استفاده از روش داده‌های تابلویی (پانل) با آثار ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که چون سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون هاسمن برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، از روش داده‌های تابلویی با آثار ثابت استفاده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه ۱

| $Q_{it} = b_0 + b_1 ETR-D_{it} + b_2 PPE_{it} + ROA_{it} + b_4 SIZE_{it} + b_5 LEV_{it} + b_6 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|---|---------------|------------|---------------------|--------------|
| متغیر | علامت اختصاری | ضریب متغیر | آماره t | سطح معناداری |
| مقدار ثابت | C | ۰/۵۵۱ | -۱/۳۴۴ | ۰/۱۷۹ |
| اجتناب از مالیات | ETR-D | ۰/۱۷۴ | ۰/۸۶۰ | ۰/۳۸۹ |
| دارایی ثابت | PPE | -۰/۲۷۷ | -۱/۳۷۶ | ۰/۱۶۹ |
| بازده دارایی‌ها | LEV | ۱/۲۲۷ | ۱۱/۲۸۹ | ۰/۰۰۰ |
| اندازه شرکت | ROA | ۲/۴۰۷ | ۱۰/۸۱۳ | ۰/۰۰۰ |
| اهرم مالی شرکت | SIZE | ۰/۰۸۶ | ۲/۹۵۷ | ۰/۰۰۳ |
| رشد شرکت | GROWTH | -۰/۱۱۳ | -۴/۳۹۷ | ۰/۰۰۰ |
| پارامتر (۱) AR | AR(1) | ۰/۴۵۱ | ۱۷/۱۵۲ | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین | | ۰/۷۶۵ | آماره F | ۲۶/۶۱۸ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۷۳۹ | سطح معناداری کل مدل | ۰/۰۰۰ |
| آماره دوربین واتسون | | | | ۲/۲۴۳ |

فرضیه ۱ پژوهش حاکی از این است که بین ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به جدول ۴، نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که ضریب و آماره t متغیر اجتناب مالیاتی به ترتیب برابر با ۰/۱۷۴ و ۰/۸۶۰ می‌باشد و این رابطه در

سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی‌باشد و فرضیه نخست پژوهش مبنی بر ارتباط بین ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. به بیان دیگر، در ایران اجتناب مالیاتی تأثیری بر ارزش شرکت ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین اهرم مالی، اندازه و بازده دارایی‌ها با ارزش شرکت وجود دارد و با افزایش اهرم مالی شرکت و نیز بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت، ارزش شرکت افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. از طرفی، رابطه معنی‌داری بین دارایی‌های ثابت شرکت و ارزش شرکت وجود ندارد. همچنین نتایج حاکی از این است که بین رشد و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد و با افزایش رشد شرکت، ارزش شرکت کاهش پیدا می‌کند و بالعکس.

جدول ۵: آزمون لیمر و هاسمن برای تخمین نوع داده‌های مدل ۲

| شرح | مقدار آماره | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------------|-------------|------------|--------------|
| آزمون لیمر | ۲۶/۷۱۶ | (۶۷/۷۴۲) | ۰/۰۰۰ |
| آزمون هاسمن | ۴۶/۹۹۹ | ۶ | ۰/۰۰۰ |

همان‌طور که در جدول ۵ دیده می‌شود، سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون لیمر برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. همچنین برای آزمون استفاده از روش داده‌های تابلویی (پانل) با آثار ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که چون سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون هاسمن برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، از روش داده‌های تابلویی با آثار ثابت استفاده می‌شود. فرضیه ۲ پژوهش حاکی از این است که اجتناب مالیاتی بر هزینه نمایندگی شرکت تأثیری مثبت دارد. با توجه به جدول ۶، نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که ضریب و آماره t متغیر اجتناب مالیاتی به ترتیب برابر با $-۰/۱۲۴$ و $-۱/۰۷۹$ می‌باشد. در نتیجه، اجتناب مالیاتی شرکت بر هزینه نمایندگی تأثیر معناداری ندارد. از طرفی، دارایی ثابت نیز بر هزینه نمایندگی تأثیر معناداری ندارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین دارایی ثابت، اهرم مالی شرکت، بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت با هزینه نمایندگی شرکت وجود دارد و با افزایش دارایی ثابت، اهرم مالی شرکت، بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت، هزینه نمایندگی شرکت افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. از طرفی رابطه منفی و معنی‌داری بین رشد و هزینه نمایندگی شرکت در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد و با افزایش رشد شرکت، هزینه نمایندگی کاهش پیدا می‌کند و بالعکس.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه ۲

| $\text{AGENCYCOST}_{it} = b_0 + b_1\text{ETR-D}_{it} + b_2\text{PPE}_{it} + b_3\text{LEV}_{it} + b_4\text{ROA}_{it} + b_5\text{SIZE}_{it} + b_6\text{GROWTH}_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|---|---------------|---------------------|---------|--------------|
| متغیر | علامت اختصاری | ضریب متغیر | آماره t | سطح معناداری |
| مقدار ثابت | C | -۱/۳۳۷ | -۵/۸۰۵ | ۰/۰۰۰ |
| اجتناب از مالیات | ETR-D | -۰/۱۲۴ | -۱/۰۷۹ | ۰/۲۸۰ |
| دارایی ثابت | PPE | -۰/۰۰۳ | -۰/۰۳۸ | ۰/۹۶۹ |
| اهرم مالی شرکت | LEV | ۰/۱۱۱ | ۱/۹۹۷ | ۰/۰۴۶ |
| بازده دارایی‌ها | ROA | ۰/۹۹۷ | ۱۰/۳۵۲ | ۰/۰۰۰ |
| اندازه شرکت | SIZE | ۰/۱۴۸ | ۸/۹۸۳ | ۰/۰۰۰ |
| رشد شرکت | GROWTH | -۰/۰۴۹ | ۳/۷۵۵ | ۰/۰۰۰ |
| پارامتر (۱) AR | AR(1) | ۰/۴۶۴ | ۱۳/۶۸۱ | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین | ۰/۸۳۷ | آماره F | ۴۶/۸۷۰ | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۸۱۹ | سطح معناداری کل مدل | ۰/۰۰۰ | |
| آماره دوربین واتسون | ۲/۲۴۲ | | | |

جدول ۷: آزمون لیمر و هاسمن برای تخمین نوع داده‌های مدل ۳

| شرح | مقدار آماره | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------------|-------------|------------|--------------|
| آزمون لیمر | ۲/۱۲۸ | (۶۷/۷۴۰) | ۰/۰۰۰ |
| آزمون هاسمن | ۳۱/۴۵۵ | ۸ | ۰/۰۰۰ |

همان‌طور که در جدول ۷ دیده می‌شود، با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده از آزمون لیمر برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد و همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده از آزمون هاسمن برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، از روش داده‌های تابلویی با آثار ثابت استفاده می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه ۳

| $Q_{it} = b_0 + b_1 ETR-D_{it} + b_2 TRANS_{it} + b_3 ETR-DTRANS_{it} + b_4 PPE_{it} + b_5 LEV_{it} + b_6 ROA_{it} + b_7 SIZE_{it} + b_8 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$ | | | | |
|--|---------------|------------|---------------------|--------------|
| متغیر | علامت اختصاری | ضریب متغیر | آماره t | سطح معناداری |
| مقدار ثابت | C | ۰/۴۵۴ | ۱/۰۹۱ | ۰/۲۷۵ |
| اجتناب از مالیات | ETR_D | ۱/۲۷۴ | ۲/۵۵۴ | ۰/۰۱۰ |
| کیفیت افشا | TRANS | ۰/۰۰۵ | ۴/۰۰۱ | ۰/۰۰۰ |
| متغیر تعاملی | ETRD*TRANS | -۰/۰۲۸ | -۳/۶۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| دارایی ثابت | PPE | -۰/۵۰۰ | -۲/۷۶۸ | ۰/۰۰۵ |
| اهرم مالی شرکت | LEV | ۱/۸۰۹ | ۱۴/۶۶۸ | ۰/۰۰۰ |
| بازده دارایی‌ها | ROA | ۵/۰۰۳ | ۱۷/۴۰۳ | ۰/۰۰۰ |
| اندازه شرکت | SIZE | -۰/۰۴۷ | ۱/۵۱۵ | ۰/۱۳۰ |
| رشد شرکت | GROWTH | -۰/۱۴۷ | -۳/۹۰۱ | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین | | ۰/۵۹۵ | آماره F | ۳۲/۷۳ |
| ضریب تعیین تعدیل شده | | ۰/۵۵۳ | سطح معناداری کل مدل | ۰/۰۰۰ |
| آماره دوربین واتسون | | | ۱/۶۰ | |

فرضیه ۳ پژوهش حاکی از این است که اجتناب مالیاتی شرکت تأثیری مثبت بر ارزش شرکت‌های با کیفیت افشای بالاتر می‌گذارد. با توجه به جدول ۸، نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که ضریب و آماره t متغیر تعاملی (کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت) به ترتیب برابر با ۰/۰۲۸- و ۳/۶۵۰- می‌باشد و این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد و بین متغیر تعاملی (کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت) و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارتی، در ایران کیفیت افشای شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و ارزش شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از طرفی رابطه معنی‌داری بین بازده دارایی‌های شرکت و اهرم مالی شرکت با ارزش شرکت در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد که این رابطه مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

بدین معنی که با افزایش بازده دارایی‌ها و اهرم مالی شرکت، ارزش شرکت افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. همچنین بین اندازه و ارزش شرکت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. از طرفی نتایج حاکی از این است که بین رشد و ارزش شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

شرکتها از طریق فرآیند اجتناب مالیاتی اقدام به کاهش پرداخت‌های حاصل از مالیات بر درآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌انجامد. در نتیجه به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد که شرکت و سهامداران آن اقداماتی را برای اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند. اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی ابهام و عدم شفافیت را به همراه دارد که امکان سوء استفاده از منابع و حیف و میل آن در شرایط غیر شفاف برای مدیران فرصت طلب به وجود می‌آید که سبب افزایش هزینه نمایندگی می‌شود و گاهی هزینه‌های حاصل از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی بیشتر از منافع آن می‌شود (حقیقت و محمدی، ۱۳۹۲). نظریه هزینه نمایندگی حاصل از اجتناب مالیاتی بیان می‌دارد که رابطه منفی اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت زمان ابهام و عدم شفافیت بیشتر می‌شود. نظریه ارزش آفرینی اجتناب مالیاتی بیان می‌دارد که وقتی افشای شرکتی افزایش می‌یابد، رابطه مثبت و مستقیمی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت وجود دارد.

شواهد تجربی اخیر در مورد واکنش‌های پژوهشگران به اجتناب از مالیات متفاوت است. پژوهش در مورد میزان اطلاعات از اجتناب مالیاتی نشان می‌دهد که هزینه مالیات بر درآمد، نشانه‌ای از قابلیت سوددهی شرکت است. مطالعات قبلی نشان می‌دهند که شفافیت اطلاعات می‌تواند مستقیم به عملکرد اقتصادی کارکنان درون شرکت با انتخاب بهینه سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت کارآمدتر دارایی‌ها در سازمان و کاهش تصرف در ثروت اقلیت سهامداران نسبت داده شود (بوشمن و اسمیت، ۲۰۰۳).

تصمیم‌گیری تجاری بر کیفیت و کمیت اطلاعات تکیه دارد. بنابراین شفافیت اطلاعات می‌تواند جریان‌های نقدی اخیر و آتی را از طریق تأثیر بر تصمیم‌گیری مدیریت تغییر دهد.

با توجه به مطالب یاد شده در این پژوهش، به سه پرسش پاسخ داده می‌شود: نخست اینکه آیا بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؟ دوم اینکه آیا بین اجتناب

مالیاتی و هزینه‌های نمایندگی شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؟ سوم اینکه آیا کیفیت افشای شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر می‌گذارد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ۶۸ شرکت از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد تا طی دوره ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گیرد.

براساس نتایج پژوهش حاضر، فرضیه ۱ پژوهش حاکی از این است که بین ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. فرضیه نخست پژوهش مبنی بر ارتباط بین ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، در ایران اجتناب مالیاتی تأثیری منفی بر ارزش شرکت دارد و با پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت ندارد. فرضیه ۲ پژوهش حاکی از این است که اجتناب مالیاتی بر هزینه نمایندگی شرکت تأثیری مثبت دارد. در این صورت فرضیه ۲ رد می‌شود و اجتناب مالیاتی شرکت بر هزینه نمایندگی شرکت تأثیری ندارد که با پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت ندارد. فرضیه ۳ پژوهش حاکی از این است که اجتناب مالیاتی شرکت تأثیری مثبت بر ارزش شرکت‌های با کیفیت افشای بالاتر می‌گذارد. این فرضیه معنادار می‌باشد و بین متغیر تعاملی (کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکت) و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی دیگر، کیفیت افشای شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر دارد که نتیجه این فرضیه نیز با نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

در پژوهش حاضر، رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت با تأکید بر هزینه نمایندگی و کیفیت افشای شرکتی مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که در تصمیم‌گیرهای خود، به طور قطع وضعیت کیفیت افشای شرکتها را مد نظر قرار دهند تا هیچ ابهامی برای سرمایه‌گذاری در شرکتها نداشته باشند. همچنین با توجه به نوسان‌های قیمت نفت در سالهای اخیر از یک سو و مالیات بر درآمد به عنوان منبع اصلی کسب درآمد دولت بعد از درآمدهای نفتی از سوی دیگر، توصیه می‌شود، سازمان امور مالیاتی کشور در زمینه اخذ مالیات به‌طور عادلانه دقت لازم را به کار برده و در بررسی اظهارنامه‌های مالیاتی و درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها، کیفیت افشا شرکتی افشا شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار را به عنوان شاخصی از اجتناب مالیاتی مورد توجه قرار دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آتی، عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر متغیرهای پژوهش حاضر و نیز سایر متغیرهای اقتصادی (تورم، رونق و رکود) و مالی (سازوکارهای نظام راهبری شرکتی) مورد بررسی قرار گیرد. برای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات، شاخصهای دیگری نظیر نرخ موثر مالیاتی، مد نظر قرار گیرد.

منابع

- آقایی، محمدعلی، انواری رستمی، علی اصغر، ساری، محمد علی و سلمانی، یونس (۱۳۹۴). «بررسی رابطه ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و طرح ریزی مالیات شرکتی»، فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱-۲۱.
- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). «رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم، صص ۶۵-۸۵.
- بحری‌ثالث، جمال، بهنمون، یعقوب و ابراهیم مددی‌زاده. (۱۳۹۳). «ویژگی‌های هیأت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه». فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره بیست و دوم، صص ۵۳-۶۷.
- پورحیدی، امید و سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات». مجله دانش حسابداری، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۸۹-۱۱۰.
- حساس یگانه، یحیی و گل محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۰). «رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها». پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، صص ۲۴۰-۲۶۳.
- حقیقت، حمید و محمدحسن محمدی. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه‌ی بین اجتناب مالیاتی با کیفیت افشاء و ارزش شرکت»، مطالعات کمی در مدیریت، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۰۹-۲۲۸.
- خدای پور، احمد و امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲). «بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه». پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- خدای پور، احمد، هوشمند زعفرانیه، رحمت‌اله و مصطفی دلدار. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهشنامه مالیات، شماره هفدهم، صص ۳۱-۵۵.
- مشایخی، بیتا و صبری علی پناه. (۱۳۹۴). «تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت». پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.
- منصوری، ندا. (۱۳۹۲). «ارزیابی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان غربی.

- مهران، ساسان و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۳). "بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها". *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. سال سوم، شماره دهم، صص ۱۳-۳۳.
- خانی، عبدالله، ایمانی، کریم و مهنام ملایی. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، *دانش حسابرسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۱-۲۵.
- Armstrong, C.S., Guay, W.R. and Weber, J.P. (2010). "The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 22 Nos 2/3, pp. 179-234.
- Bushman, R.M. and Smith, A.J. (2003). "Transparency, financial accounting information, and corporate governance", *Economic Policy Review*, Vol. 9 No. 1, pp. 65-87.
- Cai, H. and Liu, Q. (2009). "Competition and corporate tax avoidance: evidence from Chinese industrial firms", *The Economic Journal*, Vol. 119, April, pp. 1-32.
- Chen, X., Hu., N., And Wang, X. (2014). "Tax avoidance and firm value: evidence from China". *Business Review International*, Vol. 5 No. 1, 2014 pp. 25-42.
- Desai, M.A. and Dharmapala, D. (2006), "Corporate tax avoidance and high-powered incentives", *Journal of Financial Economics*, Vol. 79 No. 1, pp. 145-179.
- Desai, M.A. and Dharmapala, D. (2009). "Corporate tax avoidance and firm value", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 91 No. 3, pp. 537-546.

- Desai, M.A., Dyck, A. and Zingales, L. (2007). "Theft and taxes", *Journal of Financial Economics*, Vol. 84 No. 3, pp. 591-623.
- Friese, Arne, Simon Link, and Stefan Mayer. (2008). "Taxation and corporate governance -The state of the art". *Tax and corporate governance. Springer Berlin Heidelberg*, pp.357-425.
- Hanlon, M. and Heitzman, S. (2010). "A review of tax research", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 Nos 2/3, pp. 127-178.
- Jensen, M., Meckling, W. (1976). "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure". *Journal of Financial Economics*, 3:pp. 305-360.
- Khaoula, A. & Mohamed Ali, Z. (2012). "The board of directors and the corporate tax planning: Empirical Evidence from Tunisia". *International Journal of Accounting and Financial Reporting*, Vol. 2, No. 2.142-157.
- Lambert, R.A., Leuz, C. and Verrecchia, R.E. (2007), "Accounting information, disclosure, and the cost of capital". *Journal of Accounting Research*, Vol. 45 No. 2, pp. 385-420.
- Sabli, Nurshamimi & Md. Noor, R. (2012). "Tax planning and corporate governance". 3rd International Conference on business and economic research (3rd ICBER 2012) Proceeding.
- Sartori, Nicola. (2009). "Corporate Governance Dynamics and Tax Compliance". *International Trade and Business Law Review*, U of Michigan Law & Economics, SJD Working Paper No.1361895. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1361895> .
- Wang, Xiaohang. (2011). "Tax avoidance, corporate transparency, and firm value". American Accounting Association Annual Meeting-Tax Concurrent Sessions.

- Ying, Yunchao. (2016). “Internal Control Information Disclosure Quality, Agency Cost and Earnings Management—Based on the Empirical Data from 2011 to 2013”. *Modern Economy*, 7, pp 64-70.
- Zemzem, A and Ftouhi, K. (2013). “The Effects of Board of Directors’ Characteristics on Tax Aggressiveness”. *Research Journal of Finance and Accounting*, Vol.4, No.4.pp.140-147 .
- Zeng, Y. and Zhang, J. (2009), “Does taxation have a governance role?”. *The Management World* (Monthly), Vol. 3, pp. 143-151.

